

Drawing the Topic Network of Psychology Theses in Iranian Universities¹

Esmat Momeni^{id}

Associate Professor, Department of Knowledge and Information Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. momeni@atu.ac.ir

Abstract

Purpose: The aim of the current study is to construct the thematic network of general, clinical, and educational psychology doctoral dissertations from Iranian universities using network indices such as degree centrality, betweenness, and closeness.

Method: The statistical population of the research included 389 theses with 2588 keywords, which were analyzed in a total of 484 descriptors after randomization. Sampling was total population sampling, and the data collection tool was a checklist of keywords prepared using specialized thesauruses. Subsequently, the matrix of thematic networks was manually prepared, followed by the creation of the thematic network of theses using VOS Viewer and NetDraw software. For the analysis of micro indicators (degree centrality, betweenness, and closeness), USENET software was utilized, while VOS Viewer software was employed for the analysis of macro indicators (number of clusters and thematic network density).

Findings: The topic network of general, clinical, and educational psychology doctoral dissertations, based on the 484x484 matrix, shows that the topic category "Effectiveness/Intervention" has a degree centrality of 928, a binit centrality of 15.848, and a closeness centrality of 69, making it the most connected to other subject areas. On the other hand, the subject category "conflict" has a centrality of 137 degrees, "memory" has a centrality of 1.101, and "academic success" has the least connection and co-occurrence with other subject areas.

Conclusion: The strongest lexical associations are between the descriptors "effectiveness/intervention" and "education" with 59 links, "gender" and "school" with 39 links, "effectiveness/intervention" and "school" with 36 links, "education" and "school" with 31 links, and "effectiveness/intervention" and "gender" with 30 links. In general, it is essential to conduct research that explains the relationships and designs patterns based on the obtained categories for a comprehensive evaluation, in addition to research related to effectiveness/intervention. The category of gender difference is a common cognitive finding that explores human development dimensions. Therefore, it is crucial to focus on the educational process, which is shaped within the family and school environments.

Keywords: General Psychology, Clinical Psychology, Educational Psychology, Vocabulary Co-Occurrence Analysis, Thematic Map, Scientometrics, Doctoral Thesis.

Cite this article: Momeni, E. (2024). Drawing the Topic Network of Psychology Theses in Iranian Universities. *Applied Scientometric Studies*, 1(1), p. 75-100.

Received: 2023-12-26 ; **Revised:** 2024-02-01 ; **Accepted:** 2024-03-15 ; **Published online:** 2024-03-21

© The Author(s).

Article type: Research Article

Published by: University of Qom.



ترسیم شبکه موضوعی پایان‌نامه‌های روانشناسی دانشگاه‌های ایران^۱

عصمت مؤمنی 

دانشیار، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. momeni@atu.ac.ir

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر ترسیم شبکه موضوعی پایان‌نامه‌های دکتری روانشناسی عمومی، بالینی و تربیتی دانشگاه‌های ایران براساس شاخص شبکه‌ای مرکزیت درجه، بینایی، نزدیکی است.

روش: روش پژوهش از نوع کاربردی به روش علم‌سنجی است. جامعه آماری پژوهش شامل ۳۸۹ رساله با ۲۵۸۸ کلیدواژه بوده که بعد از یک‌دستی در مجموع ۴۸۴ توصیفگر تحلیل شده است. نمونه‌گیری تمام‌شمار بوده و ابزار گردآوری داده‌ها سیاهه واری و ارسای واژه‌های کلیدی بوده که با استفاده از اصطلاحنامه‌های تخصصی تنظیم و پس از آن ماتریس شبکه‌های موضوعی به صورت دستی تهیه و در مرحله بعد با نرم‌افزار وی.ا.اس.ویور و نت دراو شبکه موضوعی پایان‌نامه‌ها ترسیم، سپس برای تحلیل شاخص‌های خرد (مرکزیت درجه، بینایی و نزدیکی) از نرم‌افزار یوسی‌آنت و تحلیل شاخص‌های کلان (تعداد خوشه‌ها و چگالی شبکه موضوعی) از نرم‌افزار وی.ا.اس.ویور استفاده شده است.

یافته‌ها: شبکه موضوعی رساله‌های دکتری روان‌شناسی عمومی، بالینی و تربیتی بر مبنای ماتریس 484×484 ، مقوله موضوعی «اثربخشی/مداخله» با مرکزیت درجه ۹۲۸ و با مرکزیت بینیت ۱۵۸۴۸ و با مرکزیت نزدیکی ۶۹ بیشترین پیوند و هم‌رخدادی را با سایر حوزه‌های موضوعی داشته است. مقوله موضوعی «تعارض» با مرکزیت درجه ۱۳۷ و «حافظه» با مرکزیت بینیت ۱۰۱ و «موفقیت تحصیلی» با مرکزیت نزدیکی، کمترین پیوند و هم‌رخدادی را با سایر حوزه‌های موضوعی داشته است.

نتیجه‌گیری: قوی‌ترین ارتباطات واژگانی میان توصیفگرهای «اثربخشی/مداخله» و «آموزش» با ۵۹ پیوند، «جنسیت» و «مدرسه» با ۳۹ پیوند، «اثربخشی/مداخله» و «مدرسه» با ۳۶ پیوند، «آموزش» و «مدرسه» با ۳۱ پیوند، و «اثربخشی/مداخله» و «جنسیت» با ۳۰ پیوند اتفاق افتاده است. به طور کلی می‌توان گفت که علاوه بر پژوهش‌های مرتبط با اثربخشی/مداخله، ضروری است به پژوهش‌هایی با تبیین رابطه‌ها و طراحی الگوهای مبتنی بر مقوله‌های بدست آمده و سپس ارزیابی آن پرداخته شود. مقوله تفاوت جنسیتی از رایج‌ترین یافته‌های شناختی است که ابعاد رشد انسان‌ها را بررسی می‌کند. بنابراین، توجه به فرایند تعلیم و تربیت در پژوهش‌ها حایز اهمیت است که در خانواده و مدرسه شکل می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: روانشناسی عمومی، روانشناسی بالینی، روانشناسی تربیتی، تحلیل هم‌رخدادی واژگان، نقشه موضوعی، علم‌سنجی، پایان‌نامه دکتری.

استناد به این مقاله: مؤمنی، عصمت (۱۴۰۳). ترسیم شبکه موضوعی پایان‌نامه‌های روانشناسی دانشگاه‌های ایران. مطالعات کاربردی علم‌سنجی،

ص ۷۵-۱۰۰.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۰۵؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۱۱/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۵؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۱/۰۲

ناشر: دانشگاه قم

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان.



۱. مقدمه

روانشناسی مطالعه علمی رفتار انسان و حیوان، فرآیندهای ذهنی و تعاملات اجتماعی است که به عنوان یک رشته جداگانه در اواخر قرن نوزدهم، تحت تاثیر ایده‌های فلسفی و فیزیولوژیکی گذشته ظهور کرد. هدف روانشناسی درک و توضیح نحوه تفکر، احساس و عمل افراد در موقعیت‌ها و زمینه‌های مختلف است. رشته روانشناسی در ایران نیز دارای سابقه‌ای طولانی و پیچیده بوده که تحت تاثیر عوامل فلسفی، مذهبی، سیاسی و اجتماعی قرار گرفته است. روانشناسی به عنوان یک علم مستقل در ایران در دهه ۱۹۳۰ با تلاش علی اکبر سیاسی و محمدباقر هوشیار شکل گرفت که آزمایشگاه روانشناسی را در دانشگاه تهران تأسیس کردند و اولین کتاب روانشناسی تجربی و اولین آزمون هوش در ایران را منتشر کردند. در حال حاضر، روانشناسی به عنوان یکی از رشته‌های علوم رفتاری، تاثیر بسیار زیادی بر جوامع و افراد دارد (حاصلی و همکاران، ۱۴۰۲). همچنین به دست آوردن درک عمیق از روانشناسی به افراد کمک می‌کند تا به بینش کاملی نسبت به اعمال و رفتار خود برسند و اطرافیان خود را بهتر درک کنند (گیتی و همکاران، ۱۴۰۲).

در عصر حاضر به دلیل رشد روزافزون دانش و افزایش رقابت در آن، ارزیابی محصولات علمی با استفاده از روش‌های علم‌سنجی، به موضوعی بسیار مهم و ضروری تبدیل شده است. علم‌سنجی، در تحقیقات علمی به محقق این امکان را می‌دهد تا حجم زیادی از داده‌های علمی را خلاصه کرده و وضعیت دانش و روندهای نوظهور یک موضوع یا زمینه تحقیق را در طول زمان ارائه دهد. تجزیه و تحلیل علم‌سنجی در کنار کتاب‌سنجی ابزار مفیدی است که از داده‌های استنادی برای اندازه‌گیری بازده علمی یک فرد و موسسه یا کشور، در یک زمینه خاص استفاده می‌کند (لیو و همکاران^۱، ۲۰۲۲). علم‌سنجی در نظر و عمل، مستلزم وجود پیش‌فرض‌هایی درباره ماهیت علم و دانش و سنجش علم یا بروندهای علمی است. چنانچه متخصصان این حوزه بخواهند کار خود را با هوشمندی و به درستی انجام بدهند، بررسی پیش‌فرض‌های مذکور و درک نگرش‌های متخصصان علم‌سنجی درباره ماهیت علم و دانش و سنجش آن، ضروری است. از این‌رو، علم‌سنجی برای رسیدن به خودآگاهی باید پیش‌فرض‌های تاریخی خود را دریابد (حیدری، ۱۳۹۰).

یکی از راه‌هایی که پژوهشگران را برای رسیدن به اهداف پژوهشی در حوزه تخصصی خود کمک می‌کند، داشتن درک و نمایی کلی از چارچوب علمی حوزه موردنظر است. در این راستا دیداری سازی اطلاعات^۲ یا ترسیم نقشه و ترسیم ساختار علمی آن حوزه، ضروری به نظر می‌رسد. در یک نقشه

1. Liu

2. Information Visualization

علمی که براساس برون داده‌های علمی و پژوهشی دانشمندان يك حوزه علمی ترسیم می‌شود، نویسندگان تأثیرگذار، خوشه‌های موضوعی شکل گرفته در طول زمان و آثار مهم و تأثیرگذار، تعیین و معرفی می‌شوند. از دیگر ویژگی‌های دیداری سازی اطلاعات که حاصل آن ترسیم نقشه‌های علمی است، امکان مطالعه تاریخ علم است. در نقشه‌های علمی به وضوح ظهور حیطه‌های جدید و توقف برخی حیطه‌های علمی اشباع شده قابل ملاحظه و مطالعه است. به بیانی ساده، نقشه علمی به تصویر کشیدن نتایج برآمده از تجزیه و تحلیل انتشارات يك حوزه علمی از زوایای مختلف و ارائه نگرشی کلی از آن حوزه است (سهیلی و عصاره، ۱۳۹۲). ترسیم ساختار علم برای رشته‌های مختلف و پیگیری آخرین تغییرات آن‌ها، موضوع مورد توجه دانشمندان، کتابداران، فیلسوفان، دولتمردان و ناشران بوده و متون علمی، ماده‌های اصلی برای این ترسیم محسوب می‌شوند. در ترسیم ساختار علم سه جزء در نظر گرفته می‌شوند: عناصر فردی، عناصر مرتبط با یکدیگر که يك شبکه را به وجود آورده‌اند، و تفسیر روابط بین عناصر (پشتوتنی زاده و عصاره، ۱۳۸۸).

تحلیل شبکه اجتماعی تحت تئوری کاربرد گراف طبقه‌بندی شده و بیشتر با ریاضیات سروکار دارد، به این صورت که برای ثبت و ورود داده از ماتریس و برای نمایش اطلاعات و داده‌های مربوط به الگوهای ارتباطی، از گراف استفاده می‌شود (هانمن و ریدل، ۲۰۰۵). در حالی که رویکرد تحلیل شبکه‌های اجتماعی روشی مناسب برای بررسی شبکه موضوعی است، پژوهش‌های انجام شده با رویکرد تحلیل شبکه‌های اجتماعی در ایران اندک است (باجی و عصاره، ۱۳۹۳). همکاری‌های علمی بین دانشمندان، سازمان‌ها، کشورها و غیره در حوزه‌های علمی یکسان و متفاوت و ارتباطاتی که بین آن‌ها ایجاد می‌گردد، شبکه‌ای از ارتباطات ساخته می‌شود که به شبکه‌های اجتماعی موسوم است. یک شبکه اجتماعی اساساً مجموعه‌ای از عامل‌ها و روابط آنها بوده که این عامل‌ها را باهم نگه می‌دارد. عامل‌ها می‌توانند اشخاص یا بخش‌های ادغام شده همانند گروه‌ها، سازمان‌ها و یا خانواده‌ها باشند. عامل‌ها با مبادله تعداد زیادی منابع با یکدیگر، شبکه‌های اجتماعی را شکل می‌دهند. چنین منابعی می‌توانند اطلاعات، کالاها، خدمات، حمایت‌های اجتماعی یا حمایت‌های مالی باشند. این نوع از تبادلات منابع، به عنوان روابط شبکه اجتماعی در نظر گرفته می‌شوند. جایی که افراد رابطه را برقرار می‌کنند، گفته می‌شود که یک گره ایجاد شده است (ریاحی و همکاران، ۱۳۹۳). شبکه‌هایی که براساس این همکاری‌ها به وجود می‌آیند، براساس سنجه‌های مختلفی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند که یکی از مفیدترین و رایج‌ترین سنجه‌ها برای بررسی این شبکه‌ها، سنجه مرکزیت است.

موقعیت یک عامل معمولاً برحسب مرکزیت آن بیان می‌گردد؛ یعنی سنجش چگونگی مرکزیت آن عامل در شبکه. عامل‌های مرکزی به خوبی به سایر عامل‌ها مرتبط هستند و سنجه مرکزیت سعی در اندازه‌گیری یک عامل (تعداد پیوندهای بیرونی و درونی)، و فاصله نسبی با عامل‌های دیگر را دارد (باشکوه و همکاران، ۱۳۹۸).

همان‌طور که بدان اشاره شد، سنجه مرکزیت شبکه‌های مختلف براساس شاخص‌های متعددی سنجیده می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: مرکزیت رتبه یا درجه، مرکزیت نزدیکی، مرکزیت سطح مداخله یا بینابینی، مرکزیت بردار ویژه و غیره. در ادامه، هر یک از این شاخص‌ها به‌طور مبسوط‌تری تعریف و ارائه شده‌اند. ترسیم ساختار علم در حوزه‌های موضوعی مختلف، سال‌هاست مورد توجه محققان قرار گرفته است. نتایج حاصل از تحلیل اینگونه مطالعات می‌تواند به عنوان ابزاری مناسب در اختیار محققان و دانشمندان حوزه علمی مربوطه قرار گیرد. یکی از شاخه‌های علوم که امروزه مورد توجه محققان قرار گرفته، علم روانشناسی است. ریشه اکثر بیماری‌های جسمی در مشکلات روحی و روانی افراد نهفته و این مسأله ضرورت توجه به این حوزه علمی را توجیه می‌کند. پایان‌نامه‌ها یک محمل برای بروندهای علمی و جدیدترین مباحث حوزه‌های علمی به‌شمار می‌روند. در ایران رشته روانشناسی به سه گرایش بالینی، عمومی و تربیتی^۱ تقسیم می‌شود.

حاصلی و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «انتشار مدارک روان‌شناسی در ۱۰ دانشگاه برتر ایران در اسکوپوس از ۱۹۶۹ تا ۲۰۲۲: یک تحلیل کتاب‌سنجی»، نشان دادند که تعداد مقالات منتشر شده در طول زمان، در حال افزایش است و مقالات پژوهشی بیشترین تعداد انتشارات را دارند؛ در حالی که مقالات مروری بیشترین تعداد استناد را دریافت کرده‌اند. دانشگاه‌های تهران، خوارزمی و شهید بهشتی به عنوان مراکز اصلی تحقیقات روانشناسی در ایران شناخته شده‌اند. ایالات متحده آمریکا به عنوان مهم‌ترین همکار بین‌المللی محسوب می‌شود. نویسندگان ایرانی در حوزه روان‌شناسی توانسته‌اند کمیت و کیفیت مدارک خود را در مجلات بین‌المللی بهبود بخشند. با این حال، نقش و اهمیت دانشگاه‌های برتر در ایران در انتشار این مدارک یکسان نیست.

از سوی دیگر، قاسمیان و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «تحلیل بروندهای پژوهشی حوزه موضوعی روانشناسی و بررسی حضور آن‌ها در رسانه‌های اجتماعی علمی»، نشان دادند که بروندهای پژوهشی حوزه موضوعی روانشناسی، حضور مطلوبی در رسانه‌های اجتماعی ندارند. بنابراین لازم است سیاستی در دانشگاه‌ها اتخاذ شود که پژوهشگران با حضور فعال و اشتراک‌گذاری آثار

۱. این تقسیم‌بندی با توجه به تقسیمات در دانشگاه پیام نور است.

خود در رسانه‌های اجتماعی، به رؤیت‌پذیری بیشتر و افزایش استناد به برون‌دادهای خود کمک کنند. شان مینگ و همکاران^۱ (۲۰۰۳) در پژوهشی کتابسنجی، مطالعات رفتار درمانی را در چین بررسی کردند. نواراته و همکاران^۲ (۲۰۱۰) نیز مدارک روانشناسی جهانی را با روش کتابسنجی در وبگاه علوم مورد بررسی قرار دادند. گویلرا و همکاران^۳ (۲۰۱۳) فراتحلیلی را در زمینه روانشناسی به روش کتابسنجی انجام دادند. خادمی و نجفی (۲۰۲۰) در پژوهشی، ریشه‌های تاریخی روانشناسی مثبت را با رویکرد جدید علم‌سنجی، از طریق شاخص سال انتشار منابع ردیابی کردند. و نتایج آنها ۱۰ ریشه تاریخی روانشناسی مثبت را مشخص کرد.

پژوهش حاضر درصدد است اندیشمندان این علم را در شناخت آثار مهم و تأثیرگذار، و آگاهی از روند رشد موضوعات و ظهور مباحث جدید یاری نماید. مرور متون مختلف نشان‌دهنده عدم انجام تحقیق جامعی در حوزه موضوعی رساله‌های دکتری حوزه موضوعی روانشناسی است. بنابراین، پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این پرسش اصلی است که، شبکه موضوعی رساله‌های دکتری رشته‌های روانشناسی عمومی، بالینی و تربیتی دانشگاه‌های ایران براساس شاخص‌های تحلیل شبکه مرکزیت درجه، بینیت، و نزدیکی چگونه قابل ترسیم است؟

۲. پرسش‌های پژوهش

- ۱) شبکه موضوعی پایان‌نامه‌های مقطع دکتری روانشناسی عمومی دانشگاه‌های ایران براساس شاخص شبکه‌ای مرکزیت رتبه، بینابینی، و نزدیکی چگونه قابل ترسیم است؟
- ۲) شبکه موضوعی پایان‌نامه‌های مقطع دکتری روانشناسی بالینی دانشگاه‌های ایران براساس شاخص شبکه‌ای مرکزیت رتبه، بینابینی، و نزدیکی چگونه قابل ترسیم است؟
- ۳) شبکه موضوعی پایان‌نامه‌های مقطع دکتری روانشناسی تربیتی دانشگاه‌های ایران براساس شاخص شبکه‌ای مرکزیت رتبه، بینابینی، و نزدیکی چگونه قابل ترسیم است؟

۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کاربردی به روش تحلیل شبکه اجتماعی با رویکرد علم‌سنجی است. جامعه آماری پژوهش ۳۸۹ رساله دکتری حوزه روانشناسی با ۲۵۸۸ کلیدواژه بوده که بعد از یک‌دست‌سازی کلیدواژگان، در مجموع ۴۸۴ توصیفگر تحلیل شده است. نمونه‌گیری به روش

تمام‌شماری صورت گرفته است؛ به این معنی که پایان‌نامه‌های دکتری روانشناسی عمومی، روانشناسی بالینی و روانشناسی تربیتی که تا زمان انجام پژوهش، دفاع شده و در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران نمایه شده است، بررسی شده‌اند. ابزار گردآوری داده‌ها تهیه سپاهه واری براساس واژه‌های کلیدی منتخب بود، که با استفاده از اصطلاحنامه‌های تخصصی، به صورت ساختاریافته تنظیم و پس از آن ماتریس شبکه‌های موضوعی به صورت دستی تهیه شد و در مرحله بعدی با نرم افزار وی.ا.اس.ویور^۱ و نت دراو^۲ خوشه‌های موضوعی، گراف‌ها و نقشه شبکه موضوعی پایان‌نامه‌ها ترسیم گردید. برای تحلیل شاخص‌های خرد (مرکزیت درجه، بینابینی و نزدیکی) از نرم‌افزار یوسی آ نت^۳ و تحلیل شاخص‌های کلان (تعداد خوشه‌ها و چگالی شبکه موضوعی) از نرم‌افزار وی ا اس ویور استفاده شد. در نهایت با کمک متخصص موضوعی، کلیه خوشه‌ها و شبکه‌های موضوعی به دست آمده در رشته روانشناسی، مورد تحلیل قرار گرفت.

جدول ۱- پایان‌نامه‌های مورد بررسی در دانشگاه‌های ایران

دانشگاه	رشته تحصیلی
دانشگاه پیام نور مرکز	روانشناسی عمومی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی	روانشناسی عمومی
دانشگاه محقق اردبیلی	روانشناسی عمومی
دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان کرمان	روانشناسی عمومی
دانشگاه اصفهان	روانشناسی عمومی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران (پزشکی)	روانشناسی عمومی
دانشگاه تبریز	روانشناسی عمومی
دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی یزد	روانشناسی عمومی
دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان کرمانشاه	روانشناسی عمومی
دانشگاه الزهراء	روانشناسی عمومی
دانشگاه پیام نور استان تهران	روانشناسی عمومی
دانشگاه تربیت معلم تهران	روانشناسی عمومی
دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان سیستان و بلوچستان	روانشناسی عمومی
دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی	روانشناسی عمومی
دانشگاه شیراز	روانشناسی عمومی

<https://apss.gom.ac.ir/>

دانشگاه	رشته تحصیلی
دانشگاه علامه طباطبائی	روانشناسی عمومی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات	روانشناسی عمومی
دانشگاه شهید بهشتی	روانشناسی عمومی
دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید بهشتی	روانشناسی عمومی
دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران	روانشناسی عمومی
دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران	روانشناسی عمومی
دانشگاه تهران	روانشناسی عمومی
دانشگاه تربیت مدرس	روانشناسی عمومی
علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان زنجان	روانشناسی عمومی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان	روانشناسی عمومی
دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی	روانشناسی عمومی
دانشگاه شهید چمران اهواز	روانشناسی عمومی
دانشگاه تبریز	روانشناسی تربیتی
دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی	روانشناسی بالینی
دانشگاه شیراز	روانشناسی تربیتی
دانشگاه تربیت معلم تهران	روانشناسی تربیتی
دانشگاه علامه طباطبائی	روانشناسی تربیتی
دانشگاه الزهراء	روانشناسی تربیتی
دانشگاه فردوسی مشهد	روانشناسی تربیتی
دانشگاه پیام نور مرکز	روانشناسی تربیتی
دانشگاه شهید چمران اهواز	روانشناسی تربیتی

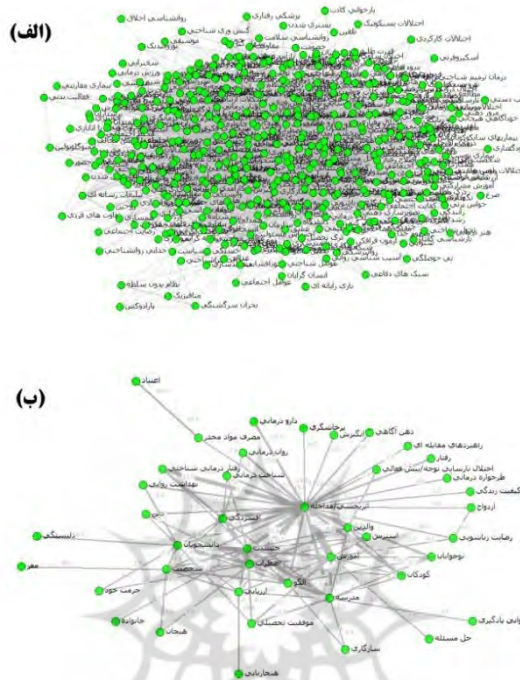
۴. یافته‌های پژوهش

در رشته روانشناسی عمومی (۳۰۶)، روانشناسی بالینی (۵)، و روانشناسی تربیتی (۷۸)، و در مجموع ۳۸۹ رساله وارد تحلیل پژوهش حاضر شده است. در ادامه به پرسش‌های پژوهش پاسخ داده شده است.

۱) شبکه موضوعی پایان‌نامه‌های مقطع دکتری روانشناسی عمومی دانشگاه‌های ایران براساس شاخص شبکه‌ای مرکزیت رتبه، بینابینی، و نزدیکی چگونه قابل ترسیم است؟

برای پاسخ به این پرسش، ابتدا توصیفگرهای پرتکرار رساله‌های روانشناسی عمومی استخراج گردید. مقوله‌های موضوعی «اثربخشی/ مداخله (۱۱۹)، جنسیت (۶۵)، آموزش (۶۲)، مدرسه (۵۸)، اضطراب (۴۹)، دانشجویان (۴۸)، افسردگی (۴۵)، شخصیت (۴۳)، الگو (۴۲)، و ارزیابی

(۳۵)» با بیشترین تکرار، موضوعات پراهمیت رساله‌های رشته روانشناسی عمومی هستند.



شکل ۱- شبکه موضوعی رساله‌های دکتری روانشناسی عمومی دانشگاه‌های ایران
(الف: ۴۳۴ توصیفگر؛ ب: میزان هم‌رخدادی واژگان بیشتر از ۵)

در مرحله بعد، شبکه موضوعی رساله‌های دکتری روانشناسی عمومی بر مبنای ماتریس 434×434 ترسیم شده است. در قسمت (الف) شکل شماره (۱)، ۴۳۴ توصیفگر این رشته به شکل گره‌های دایره‌ای و ارتباط میان توصیفگرها بر اساس هم‌رخدادی آن‌ها در یک رساله به صورت پیوندهای بدون جهت مشخص شده‌اند. همچنین، جهت مشخص کردن موضوعات مرکزی ساختار فکری رساله‌های روانشناسی عمومی، از شاخص‌های مرکزیت شبکه‌های اجتماعی استفاده شد. یافته‌های جدول شماره (۲) نشان می‌دهد که مقوله موضوعی «اثربخشی/مداخله» با مرکزیت درجه ۷۵۳ بیشترین پیوند را با سایر حوزه‌ها برقرار کرده و مقوله‌های موضوعی «جنسیت» و «آموزش» نیز با مرکزیت درجه ۴۷۶ و ۴۲۰ در رتبه‌های بعدی قرار دارند. این مقوله‌های موضوعی از قدرت تأثیرگذاری بیشتری نسبت به مقوله‌های موضوعی شبکه برخوردار بوده و در میان دانشجویان محبوبیت یافته‌اند. مقوله موضوعی «جنسیت» با مرکزیت بینیت $14/911$ در رتبه نخست و مقوله‌های موضوعی «اثربخشی/مداخله» و «مدرسه» با نمره $14/399$ و $7/403$ در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

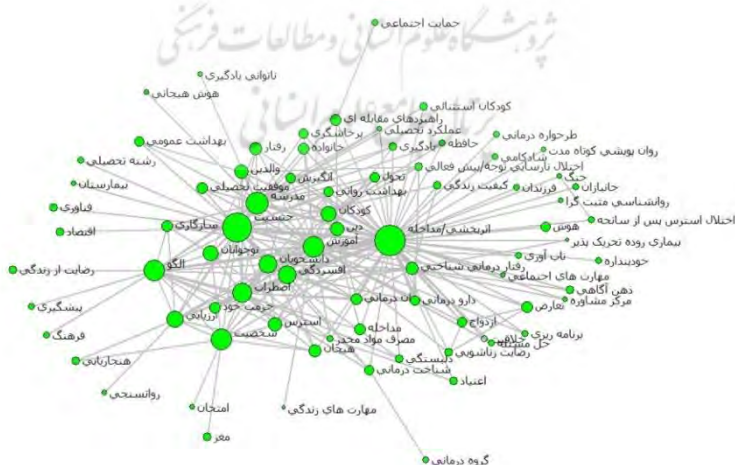
مرکزیت بینیت نیز به عنوان خصیصه ساختاری گره (توصیفگر)، نشان دهنده اهمیت گره از نظر موقعیت آن در نقشه و از نظر انتقال اطلاعات در شبکه است. شاخص مرکزیت بینیت، براساس موقعیت توصیفگرها در شبکه موضوعی محاسبه می شود. مرکزیت بینیت بالا در شبکه نشانگر ارزش توصیفگر است. اگر یک توصیفگر در شبکه موضوعی، نقش واسطه ارتباطی بین سایر توصیفگرها را ایفا کند و در انتقال اطلاعات نقش حیاتی داشته باشد، دارای مرکزیت بینیت بالایی بوده و در صورتی که این توصیفگر از ساختار فکری حذف شود، جریان اطلاعات در شبکه موضوعی متوقف شده و گسست ساختاری شبکه آغاز می شود. به عبارتی می توان گفت که این مقوله های موضوعی از خاصیت میان حوزه ای برخوردارند. مقوله های موضوعی «اثربخشی/مداخله»، «جنسیت» و «مدرسه» به ترتیب با مرکزیت نزدیکی ۶۷/۵۵۱، ۶۶/۳۰۹ و ۶۱/۴۱۸ در حداقل فاصله با سایر حوزه های شبکه قرار دارند و می توانند از قابلیت تأثیرگذاری سریع و بیشتری بر سایر موضوعات بهره مند شوند. در شکل شماره (۲)، که با حذف پیوندهای ضعیف در شبکه اصلی (قسمت الف شکل (۱)) به دست آمده (میزان هم رخدادی واژگان بیشتر از ۳ مرتبه)، توصیفگرهای با مرکزیت بیشتر با گره های بزرگ تر در مرکز شبکه نمایش داده شده اند.

بررسی این شبکه نشان می دهد که بعضی از توصیفگرها پیوندهای مستقیم و غیر مستقیم قوی تری با سایر مقوله های موضوعی داشته اند. برای این منظور، در قسمت (ب) شکل شماره (۱)، که تقلیل یافته شبکه اصلی (قسمت «الف» شکل شماره «۱» می باشد، ارتباط توصیفگرهای اصلی با پیوندهای پهن تری مشخص شده اند (میزان هم رخدادی با برجسب روی پیوند مشخص شده است)؛ به گونه ای که قوی ترین ارتباطات واژگانی میان توصیفگرهای «اثربخشی/مداخله» و «آموزش» با ۴۴ پیوند، «اثربخشی/مداخله» و «رفتار درمانی شناختی» با ۲۶ پیوند، «اثربخشی/مداخله» و «اضطراب» با ۲۴ پیوند، «اثربخشی/مداخله» و «جنسیت» با ۲۳ پیوند، «مدرسه» و «جنسیت» با ۲۲ پیوند، و «اثربخشی/مداخله» و «افسردگی» نیز با ۲۲ پیوند اتفاق افتاده است.

جدول ۲- واژگان دارای بیشترین مرکزیت در رساله های دکتری رشته روانشناسی عمومی دانشگاه های ایران

مرکزیت نزدیکی (نرمال شده)	توصیفگر یا کلیدواژه	رتبه	مرکزیت بینیت (نرمال شده)	توصیفگر یا کلیدواژه	رتبه	مرکزیت درجه	توصیفگر یا کلیدواژه	رتبه
۶۷,۵۵۱	اثربخشی/ مداخله	۱	۱۴,۹۱۱	جنسیت	۱	۷۵۳	اثربخشی/ مداخله	۱
۶۶,۳۰۹	جنسیت	۲	۱۴,۳۹۹	اثربخشی/ مداخله	۲	۴۷۶	جنسیت	۲
۶۱,۴۱۸	مدرسه	۳	۷,۴۰۳	مدرسه	۳	۴۲۰	آموزش	۳
۶۰,۳۰۶	آموزش	۴	۶,۴۶۹	شخصیت	۴	۳۶۶	مدرسه	۴

رتبه	توصیفگر یا کلیدواژه	مرکزیت درجه	رتبه	توصیفگر یا کلیدواژه	مرکزیت بینیت (نرمال شده)	رتبه	توصیفگر یا کلیدواژه	مرکزیت نزدیکی (نرمال شده)
۵	اضطراب	۳۳۷	۵	الگو	۵,۳۰۲	۵	شخصیت	۵۹,۸۸۹
۶	افسردگی	۲۸۸	۶	آموزش	۵,۲۰۸	۶	الگو	۵۹,۷۲۴
۶	الگو	۲۸۸	۷	دانشجویان	۴,۶۶۴	۷	اضطراب	۵۸,۹۹۲
۷	دانشجویان	۲۸۷	۸	ارزیابی	۴,۶۰۸	۸	افسردگی	۵۸,۳۵۶
۸	شخصیت	۲۵۹	۹	افسردگی	۴,۴۰۷	۹	دانشجویان	۵۸,۱۹۹
۹	کودکان	۱۹۸	۱۰	اضطراب	۳,۷۳۳	۱۰	ارزیابی	۵۶,۸۲۴
۱۰	ارزیابی	۱۹۶	۱۱	کودکان	۳,۴۵۳	۱۱	کودکان	۵۶,۳۸۰
۱۱	رفتاردرمانی شناختی	۱۸۷	۱۲	نوجوانان	۳,۱۶۱	۱۲	نوجوانان	۵۶,۱۶۱
۱۲	نوجوانان	۱۷۷	۱۳	رفتار	۲,۴۱۷	۱۳	استرس	۵۵,۳۰۰
۱۳	والدین	۱۶۱	۱۴	استرس	۲,۰۵۰	۱۴	والدین	۵۵,۲۳۰
۱۴	دین	۱۵۵	۱۵	هیجان	۱,۶۶۱	۱۵	رفتار	۵۴,۸۸۰
۱۵	استرس	۱۴۹	۱۶	دین	۱,۵۲۳	۱۶	دین	۵۴,۸۱۰
۱۶	رفتار	۱۳۹	۱۷	والدین	۱,۳۶۹	۱۷	هیجان	۵۴,۱۹۳
۱۷	هیجان	۱۲۰	۱۸	مغز	۱,۳۳۴	۱۸	رفتاردرمانی شناختی	۵۴,۱۲۵
۱۸	حرمت خود	۱۱۴	۱۹	حافظه	۱,۲۲۱	۱۹	مداخله	۵۳,۷۸۹
۱۸	روان‌درمانی	۱۱۴	۲۰	تعارض	۱,۱۸۰	۲۰	حرمت خود	۵۳,۶۵۶
۱۹	موفقیت تحصیلی	۱۱۳	۲۱	روان‌درمانی	۱,۰۶۲	۲۱	تعارض	۵۳,۳۹۱
۲۰	دارودرمانی	۱۱۲	۲۲	رفتاردرمانی شناختی	۱,۰۴۱	۲۲	خانواده	۵۳,۳۲۵



شکل ۲- شبکه موضوعی رساله‌های دکتری روانشناسی عمومی دانشگاه‌های ایران
براساس شاخص مرکزیت درجه (میزان هم‌رخدادی واژگان بیشتر از ۳)

۲) شبکه موضوعی رساله‌های دکتری روانشناسی بالینی دانشگاه‌های ایران براساس شاخص‌های تحلیل شبکه مرکزیت درجه، بینیت، و نزدیکی چگونه است؟

ابتدا توصیفگرهای پرتکرار رساله‌های روانشناسی بالینی استخراج گردید. مقوله‌های موضوعی «اثربخشی/ مداخله» (۴)، «اضطراب» (۲)، «دلبستگی» (۲)، «شیرخوارگی» (۲)، «فرهنگ» (۲)، و «والدین» (۲) با بیشترین تکرار، موضوعات پراهمیت رساله‌های دکتری رشته روانشناسی بالینی هستند. جهت بررسی‌های بیشتر، شبکه موضوعی رساله‌های دکتری روانشناسی بالینی بر مبنای ماتریس 22×22 ترسیم شده است. در شکل (۳)، ۲۲ توصیفگر این رشته به شکل گره‌های دایره‌ای و ارتباط میان توصیفگرها براساس هم‌رخدادی آن‌ها در یک رساله به صورت پیوندهای بدون جهت مشخص شده‌اند. همچنین، یافته‌ها در جدول (۳) نشان می‌دهد که مقوله موضوعی «اثربخشی/ مداخله» با مرکزیت درجه ۲۲ بیشترین پیوند را با سایر حوزه‌ها برقرار کرده و مقوله‌های موضوعی «دلبستگی»، «شیرخوارگی»، «فرهنگ» و «والدین» هرکدام با مرکزیت درجه ۱۰ در رتبه بعدی قرار دارند. این مقوله‌های موضوعی از قدرت تأثیرگذاری بیشتری نسبت به مقوله‌های موضوعی پیرامونی شبکه برخوردار بوده و در میان دانشجویان محبوبیت یافته‌اند. مقوله موضوعی «اثربخشی/ مداخله» با مرکزیت بینیت $60/952$ در رتبه نخست و مقوله‌های موضوعی «فرهنگ» و «اضطراب» با نمره $10/952$ و $8/571$ در رتبه‌های بعدی بوده و از خاصیت میان‌حوزه‌ای برخوردارند. مقوله‌های موضوعی «اثربخشی/ مداخله»، «فرهنگ» و «اضطراب» به ترتیب با مرکزیت نزدیکی $91/304$ ، $65/625$ و $61/765$ در حداقل فاصله با سایر حوزه‌های شبکه قرار دارند و می‌توانند از قابلیت تأثیرگذاری سریع و بیشتری بر سایر موضوعات بهره‌مند شوند. در شکل شماره (۳)، توصیفگرهای با مرکزیت بیشتر با گره‌های بزرگتر در مرکز شبکه نمایش داده شده‌اند. نگاهی دوباره به این شبکه نشان می‌دهد، بعضی از توصیفگرها پیوندهای مستقیم و غیرمستقیم قوی‌تری با سایر مقوله‌های موضوعی داشته‌اند. برای این منظور، در شکل شماره (۳)، ارتباط توصیفگرهای اصلی با پیوندهای پهن‌تری مشخص شده‌اند؛ به گونه‌ای که قوی‌ترین ارتباطات واژگانی میان توصیفگرهای «اثربخشی/ مداخله»، «دلبستگی»، «شیرخوارگی» و «والدین» هرکدام با ۲ پیوند اتفاق افتاده است.

جدول ۳ (الف) - واژگان دارای بیشترین مرکزیت در رساله‌های دکتری رشته روانشناسی بالینی دانشگاه‌های ایران

رتبه	توصیفگر یا کلیدواژه	مرکزیت درجه
۱	اثربخشی/ مداخله	۲۲
۲	دلبستگی	۱۰
۲	شیرخوارگی	۱۰
۲	فرهنگ	۱۰

رتبه	توصیفگر یا کلیدواژه	مرکزیت درجه
۲	والدین	۱۰
۳	اضطراب	۸
۳	ازدواج	۷
۳	الگو	۷
۳	خانواده	۷
۳	زوج درمانی	۷
۳	سازگاری زناشویی	۷
۳	مداخله	۷

ادامه جدول شماره ۳ (ب)- واژگان دارای بیشترین مرکزیت
در رساله‌های دکتری رشته روانشناسی بالینی دانشگاه‌های ایران

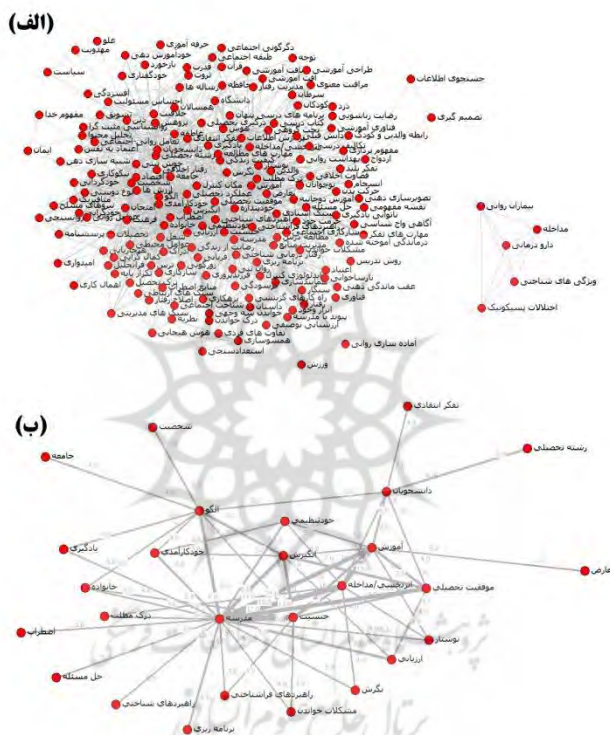
رتبه	توصیفگر یا کلیدواژه	مرکزیت بینیت (نرمال شده)	رتبه	توصیفگر یا کلیدواژه	مرکزیت نزدیکی (نرمال شده)
۱	اثربخشی / مداخله	۶۰,۹۵۲	۱	اثربخشی / مداخله	۹۱,۳۰۴
۲	فرهنگ	۱۰,۹۵۲	۲	فرهنگ	۶۵,۶۲۵
۳	اضطراب	۸,۵۷۱	۳	اضطراب	۶۱,۷۶۵



شکل ۳- شبکه موضوعی رساله‌های دکتری روانشناسی بالینی دانشگاه‌های ایران
براساس شاخص مرکزیت درجه

۳) شبکه موضوعی رساله‌های دکتری روانشناسی تربیتی دانشگاه‌های ایران براساس شاخص‌های تحلیل شبکه مرکزیت درجه، بینیت، و نزدیکی چگونه چگونه قابل ترسیم است؟ ابتدا مهم‌ترین توصیفگرهای رساله‌های دکتری روانشناسی تربیتی مشخص شده است. مقوله‌های

موضوعی «مدرسه (۴۵)، آموزش (۲۵)، اثربخشی / مداخله (۲۵)، جنسیت (۱۹)، الگو (۱۸)، دانشجویان (۱۷)، موفقیت تحصیلی (۱۷)، انگیزش (۱۵)، ارزیابی (۱۲)، خودکارآمدی (۹)، رشته تحصیلی (۹)، یادگیری (۹)، خودتنظیمی (۸)، اضطراب (۷)، برنامه‌ریزی (۷)، راهبردهای شناختی (۷) و نوشتار (۷)» با بیشترین تکرار، موضوعات هسته و پراهمیت رساله‌های رشته روانشناسی تربیتی هستند.



شکل ۴- شبکه موضوعی رساله‌های دکتری روانشناسی تربیتی دانشگاه‌های ایران
(الف: ۱۷۴ توصیفگر؛ ب: میزان هم‌رخدادی واژگان بیشتر از ۳)

شبکه موضوعی رساله‌های دکتری روانشناسی تربیتی بر مبنای ماتریس 174×174 به نمایش درآمده است. در قسمت (الف) شکل شماره (۴)، ۱۷۴ توصیفگر این رشته به شکل گره‌های دایره‌ای و ارتباط میان توصیفگرها بر اساس هم‌رخدادی آن‌ها در یک رساله به صورت پیوندهای بدون جهت مشخص شده‌اند. اطلاعات مندرج در جدول شماره (۴)، نشان می‌دهد که مقوله موضوعی «مدرسه» با مرکزیت درجه ۲۷۰ بیشترین پیوند و هم‌رخدادی را با سایر حوزه‌های موضوعی داشته است و مقوله‌های موضوعی «آموزش» و «اثربخشی / مداخله» نیز با مرکزیت درجه ۱۵۴ و ۱۵۳ در

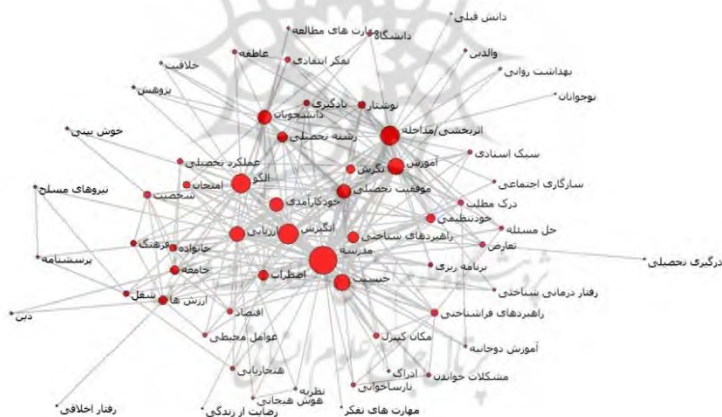
رتبه‌های بعدی قرار دارند. مقوله موضوعی «مدرسه» با مرکزیت بینیت ۱۹/۸۷۹ در رتبه نخست و مقوله‌های موضوعی «اثربخشی/مداخله» و «آموزش» با نمره ۱۴/۷۵۷ و ۹/۰۱۵ در رتبه‌های بعدی هستند. مقوله‌های موضوعی «مدرسه»، «اثربخشی/مداخله» و «آموزش» به‌ترتیب با مرکزیت نزدیکی ۱۵/۶۴۲، ۱۵/۳۶۴ و ۱۵/۲۵۶ در جایگاه برتر شبکه موضوعی واقع‌اند. در شکل شماره (۵) که با حذف پیوندهای ضعیف در شبکه اصلی (قسمت «الف» شکل شماره «۴») به‌دست آمده (میزان هم‌رخدادی واژگان بیشتر از ۱ مرتبه)، توصیفگرهای با مرکزیت بیشتر با گره‌های بزرگ‌تر در مرکز شبکه و گره‌های کم‌اهمیت‌تر در پیرامون شبکه نمایش داده شده‌اند.

بررسی بیشتر این شبکه نشان می‌دهد که بعضی از توصیفگرها پیوندهای مستقیم و غیرمستقیم قوی‌تری با سایر مقوله‌های موضوعی داشته‌اند. برای این منظور، در قسمت (ب) شکل شماره (۴) که تقلیل‌یافته شبکه اصلی (قسمت «الف» شکل شماره «۴») می‌باشد، ارتباط توصیفگرهای اصلی با پیوندهای پهن‌تری مشخص شده‌اند؛ به‌گونه‌ای که قوی‌ترین ارتباطات واژگانی میان توصیفگرهای «مدرسه» و «جنسیت» با ۱۷ پیوند، «اثربخشی/مداخله» و «مدرسه» با ۱۶ پیوند، «اثربخشی/مداخله» و «آموزش» با ۱۵ پیوند، «آموزش» و «مدرسه» با ۱۴ پیوند، «مدرسه» و «موفقیت تحصیلی» با ۱۳ پیوند، و «انگیزش» و «مدرسه» نیز با ۱۱ پیوند اتفاق افتاده است.

جدول ۴- واژگان دارای بیشترین مرکزیت
در رساله‌های دکتری رشته روانشناسی تربیتی دانشگاه‌های ایران

رتبه	توصیفگر یا کلیدواژه	مرکزیت درجه	رتبه	توصیفگر یا کلیدواژه	مرکزیت بینیت (نرمال شده)	رتبه	توصیفگر یا کلیدواژه	مرکزیت نزدیکی (نرمال شده)
۱	مدرسه	۳۷۰	۱	مدرسه	۱۹,۸۷۹	۱	مدرسه	۱۵,۶۴۲
۲	آموزش	۱۵۴	۲	اثربخشی/مداخله	۱۴,۷۵۷	۲	اثربخشی/مداخله	۱۵,۳۶۴
۳	اثربخشی/مداخله	۱۵۳	۳	آموزش	۹,۰۱۵	۳	آموزش	۱۵,۲۵۶
۴	الگو	۱۴۳	۴	الگو	۷,۷۰۸	۳	الگو	۱۵,۲۵۶
۵	جنسیت	۱۴۱	۵	دانشجویان	۵,۵۳۷	۴	جنسیت	۱۵,۱۲۲
۶	انگیزش	۱۲۹	۶	جنسیت	۵,۰۶۸	۵	انگیزش	۱۵,۰۹۶
۷	موفقیت تحصیلی	۱۰۰	۷	دین	۴,۴۸۵	۶	خودکارآمدی	۱۴,۹۲۷
۸	دانشجویان	۹۶	۸	انگیزش	۴,۳۷۹	۶	دانشجویان	۱۴,۹۲۷
۹	خودکارآمدی	۸۷	۹	برنامه‌ریزی	۳,۰۵۴	۷	موفقیت تحصیلی	۱۴,۸۱۲
۱۰	ارزیابی	۷۸	۱۰	رشته تحصیلی	۲,۹۵۹	۸	اقتصاد	۱۴,۷۷۴
۱۱	رشته تحصیلی	۶۶	۱۱	خودکارآمدی	۲,۷۷۱	۸	ارزیابی	۱۴,۷۷۴
۱۲	اضطراب	۵۶	۱۲	یادگیری	۲,۵۷۷	۹	رشته تحصیلی	۱۴,۷۴۹
۱۲	جامعه	۵۶	۱۳	ارزش‌ها	۲,۵۲۱	۱۰	جامعه	۱۴,۷۳۶

رتبه	توصیفگر یا کلیدواژه	مرکزیت درجه	رتبه	توصیفگر یا کلیدواژه	مرکزیت بینیت (نرمال شده)	رتبه	توصیفگر یا کلیدواژه	مرکزیت نزدیکی (نرمال شده)
۱۳	راهبردهای شناختی	۵۵	۱۴	ازدواج	۲,۲۳۱	۱۱	شخصیت	۱۴,۶۹۸
۱۴	خودتنظیمی	۵۲	۱۵	جامعه	۲,۱۱۶	۱۲	یادگیری	۱۴,۶۸۶
۱۵	شخصیت	۵۱	۱۶	ارزشیابی	۲,۰۷۷	۱۲	راهبردهای شناختی	۱۴,۶۸۶
۱۶	خانواده	۴۹	۱۷	موفقیت تحصیلی	۱,۷۵۵	۱۲	اضطراب	۱۴,۶۸۶
۱۷	اقتصاد	۴۸	۱۸	شخصیت	۱,۶۴۰	۱۳	ارزش‌ها	۱۴,۶۴۹
۱۸	ارزش‌ها	۴۷	۱۹	اضطراب	۱,۳۷۶	۱۴	تعارض	۱۴,۶۳۶
۱۹	یادگیری	۴۶	۲۰	تعارض	۱,۳۳۷	۱۵	خودتنظیمی	۱۴,۶۱۱
۲۰	نگرش	۴۲	۲۱	حل مسئله	۱,۲۸۱	۱۶	خوش‌بینی	۱۴,۵۸۷
۲۰	نوشتار	۴۲	۲۲	اقتصاد	۱,۲۶۳	۱۷	خانواده	۱۴,۵۷۵
۲۱	تعارض	۴۱	۲۳	خوش‌بینی	۰,۹۸۹	۱۸	راهبردهای فراشناختی	۱۴,۵۵۰
۲۲	راهبردهای فراشناختی	۴۰	۲۴	فرهنگ	۰,۹۲۸	۱۹	نوشتار	۱۴,۵۳۸
۲۳	برنامه‌ریزی	۳۸	۲۵	والدین	۰,۹۰۳	۲۰	مکان کنترل	۱۴,۵۲۶
۲۴	درک مطلب	۳۷	۲۶	خودتنظیمی	۰,۸۵۱	۲۰	عملکرد تحصیلی	۱۴,۵۲۶



شکل ۵- شبکه موضوعی رساله‌های دکتری روانشناسی تربیتی دانشگاه‌های ایران
براساس شاخص مرکزیت درجه (میزان هم‌رخدادی واژگان بیشتر از ۱)

۴) پاسخ به پرسش اصلی پژوهش: شبکه موضوعی رساله‌های دکتری رشته‌های روانشناسی عمومی، بالینی و تربیتی دانشگاه‌های ایران براساس شاخص‌های تحلیل شبکه مرکزیت درجه، بینیت، و نزدیکی چگونه قابل ترسیم است؟

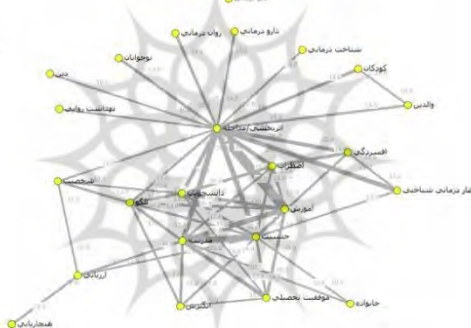
عمومی، بالینی و تربیتی استخراج گردید. مقوله‌های موضوعی «اثر بخشی/مداخله (۱۴۸)، مدرسه

(۱۰۳)، آموزش (۸۷)، جنسیت (۸۵)، دانشجویان (۶۵)، الگو (۶۱)، اضطراب (۵۸)، شخصیت (۴۸)، ارزیابی (۴۷)، افسردگی (۴۷)، کودکان (۳۷)، و موفقیت تحصیلی (۳۷) با بیشترین تکرار، موضوعات هسته و پراهمیت رساله‌های رشته‌های روانشناسی عمومی، بالینی و تربیتی هستند.

(الف)



(ب)



شکل ۶- شبکه موضوعی رساله‌های دکتری رشته‌های روانشناسی عمومی، بالینی و تربیتی دانشگاه‌های ایران
(الف: ۴۸۴ توصیفگر؛ ب: میزان هم‌رخدادی واژگان ۱۰ مرتبه یا بیشتر)

شبکه موضوعی رساله‌های دکتری روانشناسی عمومی، بالینی و تربیتی بر مبنای ماتریس 484×484 به نمایش درآمده است. در قسمت (الف) شکل شماره (۶)، ۴۸۴ توصیفگر این رشته به شکل گره‌های دایره‌ای و ارتباط میان توصیفگرها بر اساس هم‌رخدادی آن‌ها در یک رساله به صورت پیوندهای بدون جهت مشخص شده‌اند. اطلاعات مندرج در جدول شماره (۵) نشان می‌دهد که مقوله موضوعی «اثر بخشی/مداخله» با مرکزیت درجه ۹۲۸ بیشترین پیوند و هم‌رخدادی را با سایر حوزه‌های موضوعی داشته است و مقوله‌های موضوعی «مدرسه» (۶۳۶)، «جنسیت» (۶۲۲)، «آموزش» (۵۷۴)، «الگو» (۴۳۹)، «اضطراب» (۴۰۱)، «دانشجویان» (۳۸۳)، «شخصیت» (۳۱۰)، «افسردگی» (۲۹۴) و «ارزیابی» با مرکزیت درجه ۲۷۸ در رتبه‌های بعدی قرار دارند. مقوله موضوعی «اثر بخشی/مداخله» با مرکزیت بینیت $15/848$ در رتبه نخست و مقوله‌های موضوعی

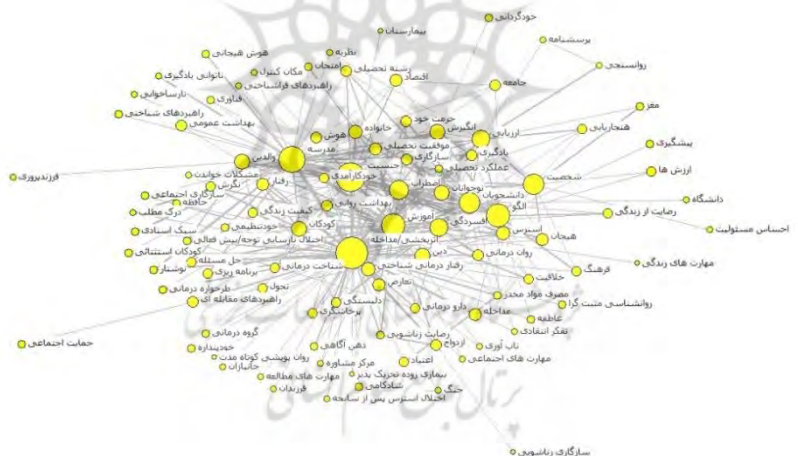
«جنسیت» (۱۳/۳۹۹)، «مدرسه» (۹/۲۱۲)، «آموزش» (۵/۷۰۶)، «سازگاری زناشویی» (۵/۳۹۶)، الگو (۵/۲۴۴)، «دانشجویان» (۴/۸۰۵)، «ارزیابی» (۴/۶۷۳)، «افسردگی» (۳/۴۱۶)، «اضطراب» (۳/۱۵۸)، و «دین» با مرکزیت بینیت ۲/۹۴۳ در رتبه‌های بعدی هستند. مقوله‌های موضوعی «اثربخشی/مداخله» (۶۹)، «جنسیت» (۶۶/۳۴۶)، «مدرسه» (۶۳/۶۳۶)، «آموزش» (۶۱/۷۶۵)، «الگو» (۶۱/۳۷۲)، «شخصیت» (۶۰/۱۴۹)، «دانشجویان» (۵۹/۱۱۹)، «اضطراب» (۵۸/۶۸۸)، «افسردگی» (۵۷/۶۳۷)، «ارزیابی» (۵۷/۶۳۷)، و «کودکان» با مرکزیت نزدیکی ۵۵/۹۶۸ به ترتیب در جایگاه‌های برتر شبکه موضوعی قرار گرفته‌اند. در شکل شماره (۷) که با حذف پیوندهای ضعیف در شبکه اصلی (قسمت «الف» شکل «۶») به دست آمده (میزان هم‌رخدادی واژگان بیشتر از ۳ مرتبه)، توصیفگرهای با مرکزیت بیشتر با گره‌های بزرگ‌تر در مرکز شبکه و گره‌های کم‌اهمیت‌تر در پیرامون شبکه نمایش داده شده‌اند.

نگاهی دوباره به شبکه نشان می‌دهد که بعضی از توصیفگرها پیوندهای مستقیم و غیرمستقیم قوی‌تری با سایر مقوله‌های موضوعی داشته‌اند. برای این منظور، در قسمت (ب) شکل شماره (۶) که تقلیل یافته شبکه اصلی (قسمت «الف» شکل شماره «۶») می‌باشد، ارتباط توصیفگرهای اصلی با پیوندهای پهن‌تری مشخص شده‌اند؛ به گونه‌ای که قوی‌ترین ارتباطات واژگانی میان توصیفگرهای «اثربخشی/مداخله» و «آموزش» با ۵۹ پیوند، «جنسیت» و «مدرسه» با ۳۹ پیوند، «اثربخشی/مداخله» و «مدرسه» با ۳۶ پیوند، «آموزش» و «مدرسه» با ۳۱ پیوند، و «اثربخشی/مداخله» و «جنسیت» با ۳۰ پیوند اتفاق افتاده است.

جدول ۵- واژگان دارای بیشترین مرکزیت در رساله‌های دکتری رشته‌های روانشناسی عمومی، بالینی و تربیتی دانشگاه‌های ایران

رتبه	توصیفگر یا کلیدواژه	مرکزیت درجه	رتبه	توصیفگر یا کلیدواژه	مرکزیت بینیت (نرمال شده)	رتبه	توصیفگر یا کلیدواژه	مرکزیت نزدیکی (نرمال شده)
۱	اثربخشی/مداخله	۹۲۸	۱	اثربخشی/مداخله	۱۵,۸۴۸	۱	اثربخشی/مداخله	۶۹,۰۰۰
۲	مدرسه	۶۳۶	۲	جنسیت	۱۳,۳۹۹	۲	جنسیت	۶۶,۳۴۶
۳	جنسیت	۶۲۲	۳	مدرسه	۹,۲۱۲	۳	مدرسه	۶۳,۶۳۶
۴	آموزش	۵۷۴	۴	آموزش	۵,۷۰۶	۴	آموزش	۶۱,۷۶۵
۵	الگو	۴۳۹	۵	سازگاری زناشویی	۵,۳۹۶	۵	الگو	۶۱,۳۷۲
۶	اضطراب	۴۰۱	۶	الگو	۵,۲۴۴	۶	شخصیت	۶۰,۱۴۹
۷	دانشجویان	۳۸۳	۷	دانشجویان	۴,۸۰۵	۷	دانشجویان	۵۹,۱۱۹
۸	شخصیت	۳۱۰	۸	ارزیابی	۴,۶۷۳	۸	اضطراب	۵۸,۶۸۸
۹	افسردگی	۲۹۴	۹	افسردگی	۳,۴۱۶	۹	افسردگی	۵۷,۶۳۷

رتبه	توصیفگر یا کلیدواژه	مرکزیت درجه	رتبه	توصیفگر یا کلیدواژه	مرکزیت بینیت (نرمال شده)	رتبه	توصیفگر یا کلیدواژه	مرکزیت نزدیکی (نرمال شده)
۱۰	ارزیابی	۲۷۸	۱۰	اضطراب	۳,۱۵۸	۹	ارزیابی	۵۷,۶۳۷
۱۱	انگیزش	۲۳۱	۱۱	دین	۲,۹۴۳	۱۰	کودکان	۵۵,۹۶۸
۱۲	رفتاردرمانی شناختی	۲۱۴	۱۲	کودکان	۲,۵۰۶	۱۱	دین	۵۵,۹۰۳
۱۳	موفقیت تحصیلی	۲۱۳	۱۳	نوجوانان	۲,۴۰۱	۱۲	والدین	۵۵,۶۴۵
۱۴	کودکان	۲۱۱	۱۴	انگیزش	۱,۷۵۶	۱۳	نوجوانان	۵۵,۵۸۱
۱۵	والدین	۱۹۷	۱۵	رفتار	۱,۵۳۲	۱۴	انگیزش	۵۵,۳۹۰
۱۶	نوجوانان	۱۹۰	۱۶	استرس	۱,۴۴۴	۱۵	خانواده	۵۴,۷۰۰
۱۷	دین	۱۸۴	۱۷	ازدواج	۱,۳۱۴	۱۶	استرس	۵۴,۵۷۶
۱۸	خانواده	۱۵۸	۱۸	والدین	۱,۳۰۲	۱۷	رفتاردرمانی شناختی	۵۴,۴۵۳
۱۹	استرس	۱۵۳	۱۹	هیجان	۱,۲۶۲	۱۸	تعارض	۵۴,۳۹۲
۲۰	رفتار	۱۴۵	۲۰	تعارض	۱,۱۹۷	۱۹	رفتار	۵۴,۳۳۱
۲۱	تعارض	۱۳۷	۲۱	حافظه	۱,۱۰۱	۲۰	موفقیت تحصیلی	۵۳,۹۰۶


<https://apss.gom.ac.ir/>

شکل ۷- شبکه موضوعی رساله‌های دکتری رشته‌های روانشناسی عمومی، بالینی و تربیتی
دانشگاه‌های ایران براساس شاخص مرکزیت درجه (میزان هم‌رخدادی واژگان بیشتر از ۳)

۵. نتیجه‌گیری

بیشترین توصیفگرهای رساله‌های دکتری رشته‌های روانشناسی عمومی، بالینی، و تربیتی دانشگاه‌های ایران «اثربخشی» یا «مداخله» است و تعداد کمتری از «پژوهش»‌ها به منظور بررسی رابطه میان متغیرها انجام شده است. در ایران همچون نقاط دیگر جهان، «دانشجویان» و تا اندازه‌ای کمتر، دانش‌آموزان به عنوان «جامعه» پژوهشی انتخاب می‌شوند؛ چراکه به راحتی در دسترس بوده و

تکرار «پژوهش» در چنین نمونه‌هایی برای دیگر پژوهشگران میسر است. تفاوت‌های «جنسیتی» از رایج‌ترین یافته‌های انسان‌شناختی هستند که امروزه تفاوت جنسیتی مفهوم رایجی است و بسیاری از کسانی که ابعاد رشد انسان را بررسی می‌کنند، صراحتاً یا تلویحاً می‌گویند مردان و زنان متفاوتند. موضوع روان‌شناسی تربیتی به کار بستن قواعد و یافته‌های شاخه‌های مختلف روان‌شناسی در فرایند تعلیم و تربیت است. به عبارت دیگر، هدف اصلی روان‌شناسی تربیتی توجه عمیق به امر «آموزش» و پرورش و پرداختن به عوامل موثر در «یادگیری»، «درگیری تحصیلی»، و «موفقیت تحصیلی»، «ترک تحصیل»، «انتخاب رشته تحصیلی»، «سازگاری»، «تحول ذهنی و روانی»، و رشد متعادل انسان است. لازمه هر «تحول» عمیق و فراگیر «فرهنگی» در هر «جامعه»، تغییر و «تحول» در نظام «آموزشی» آن جامعه است و «تحول» اساسی در برنامه‌های آموزشی و پرورشی مدارس در گرو همخوانی نظام‌های «ارزش‌های» حاکم بر «خانواده» و «مدرسه» و آمادگی ذهنی و تمایل «والدین» در همراهی و هم‌گامی با متصدیان «برنامه‌ریزی» و مربیان مدارس است. فرایند تعلیم و تربیت مثلی را تشکیل می‌دهد که دو ضلع آن «خانواده» و «مدرسه» (اولیاء و مربیان) و پایه دیگر آن وجود در حال رشد دانش‌آموز است. پس، توجه به برنامه‌های «آموزش خانواده»، ایجاد «نگرش» مثبت و پویا در «والدین» نسبت به خط‌مشی‌های آموزشی و تربیتی مدارس و ایجاد «انگیزش» برای همیاری و همکاری متقابل با مربیان مدارس ضروری است. از این‌رو، تعداد متعددی از «پژوهش‌ها» در «دانشگاه» به بحث تعلیم و تربیت در «مدرسه» متمرکز شده‌اند. به هر جهت، «پژوهش»، مشاوره، و «روان‌درمانی» مستلزم «ارزشیابی توصیفی» «هوش»، «شخصیت»، «نگرش‌ها»، «خلقیات» و توانائی‌های افراد است. «ارزیابی» دقیق مستلزم وجود ابزارهای سنجش روا و پایا است. به همین علت، تعداد قابل توجهی از پژوهش‌ها در مقطع دکتری به ساخت یا «هنجاریابی» ابزارهای «ارزیابی» از جمله «پرسشنامه‌ها» و مقیاس‌های روان‌شناختی پرداخته‌اند.

روان‌شناسی بالینی به انواع مختلفی از «اختلال رفتاری» و «اختلال هیجانی» می‌پردازد، از جمله «اختلال نارسایی توجه/بیش‌فعالی»، «اختلال دوقطبی»، «وسواس»، «اختلال شخصیت»، «اعتیاد» به «اینترنت»، «مصرف مواد مخدر»، «اختلالات پسیکوتیک» و «روان‌پریشی»، «اختلال خوردن»، «اختلال خواب»، «مشکلات خواندن» (مانند «نارساخوانی»)، و «ناتوانی یادگیری» یا «اختلالات یادگیری»، و مشکلات خفیف‌تری چون «اضطراب» «امتحان»، «رابطه والدین و کودک»، «اهمال‌کاری»، و «تعارض»‌های میان‌فردی. «رفتاردرمانی شناختی» پربسامدترین توصیفگر پایان‌نامه‌های دکتری رشته‌های روان‌شناسی در ایران است.

بیماری «افسردگی»، علاوه بر «آسیب‌پذیری» که ریشه در تجارب اولیه فرد دارد، یک یا چند

«موقعیت استرس‌زا» می‌تواند منجر به بروز نشانه‌های «افسردگی» بشود. افراد افسرده از «کمال‌گرایی»، «سبک اسنادی» فراگیر، کلی، و درونی، و «مکان کنترل» درونی برای رویدادهای منفی، و «مکان کنترل» برونی برای رخداد‌های مثبت، «نشخوار فکری»، «اعتماد به نفس» و «کفایت اجتماعی» پایین، و «درماندگی آموخته شده» رنج می‌برند. کاهش عوامل فوق، موجب «فرونشانی» علایم و نشانه‌های «افسردگی» می‌شود. «کیفیت زندگی» افراد مبتلا به اختلالات روانی پایین است. نرخ «خودکشی» در این افراد بالا است. کسانی که اقدام به «خودکشی» می‌کنند، دارای «اختلال روانی» هستند که شایع‌ترین آن‌ها «افسردگی» و «اسکیزوفرنی» می‌باشند. به دلیل هزینه‌های بالایی که بیماری‌های روانی بر جامعه دارد («خودکشی» تنها یکی از این هزینه‌هاست)، پرداختن به موضوع‌های مرتبط با اختلال‌های روانی باید در اولویت کار متخصصان «بهداشت روانی» قرار بگیرد. نرخ توصیف‌گرهای مرتبط، نشان‌دهنده توجه مناسب دانشجویان دکتری روان‌شناسی در ایران به این مساله است.

از فنون و روش‌های «رفتاردرمانگری» مانند «تشویق»، «تنبیه»، مدیریت «وابستگی»، «پس‌خوراند زیستی»، و «حساسیت‌زدایی منظم» می‌توان برای «آرام‌سازی»، «تنیدگی‌زدایی»، «مدیریت رفتار»، و درمان اختلال‌های اضطرابی، «افسردگی»، و «روان‌پریشی» در «کودکان» و «بزرگسالان» استفاده کرد. «اختلال استرس پس از صدمه» می‌تواند هم «کودکان» هم «بزرگسالان» را گرفتار کند. این اختلال ممکن است پس از مواجهه با رویدادهای ناگوارری چون «مرگ»، تهدید به «مرگ»، «خشونت»، و تجاوز جنسی به وجود آید. در مواردی که این رویدادهای آسیب‌زا برای خود فرد رخ نداده است و او فقط ناظر رخداد آسیب‌زا برای دیگران بوده است، احتمالاً «همانندسازی» با فرد آسیب‌دیده موجب بروز این اختلال می‌شود.

اختلال‌های روانی می‌توانند علت یا معلول «سازگاری زناشویی» باشند؛ یعنی بین این دو، رابطه دوسویه وجود دارد. «سازگاری زناشویی» با «افسردگی»، «استرس»، و «اضطراب» رابطه منفی دارد و از سوی دیگر، «رضایت زناشویی» با «دین»، «سلامت عمومی»، «شادکامی»، «رضایت از زندگی»، «حرمت خود»، و «خوش‌بینی» رابطه مثبت دارد. وجود «رضایت زناشویی» در یک زوج مرون سطح مطلوبی از «عشق» دوطرفه و رضایت جنسی است. آشکار است که «توانمندسازی» جوانان در این زمینه، مستلزم تجهیز آن‌ها به اطلاعات لازم در مورد نحوه گفتگوی «حل مسأله» است که باید از سال‌ها پیش، از بستر «خانواده» آغاز بشود و در برنامه‌های آموزش و پرورش بگنجد. دوره‌های آموزشی پیش از «ازدواج» هم راهگشا خواهند بود. آموزش «مهارت‌های زندگی» (مانند مهارت «حل مسأله»، «مهارت‌های اجتماعی» (مانند مهارت «احساس مسئولیت»، «مهارت‌های

ارتباطی» (مانند مهارت «ابراز وجود»)، و «مهارت‌های تفکر» (مانند مهارت شناسایی و تغییر تحریف‌های شناختی) در «خانواده درمانی»، «زوج درمانی»، و مشاوره پیش از «ازدواج» در «مراکز مشاوره» نقش کلیدی در افزایش «سازگاری زناشویی» و «رضایت زناشویی» و کاهش اختلافات «زناشویی» و طلاق دارد. توصیف‌گرهای مربوط به «خانواده» در میان رساله‌های دکتری روان‌شناسی نسبتاً زیاد بوده که گویای سرمایه‌گذاری مناسب در این زمینه است.

پژوهشگران در حوزه «شخصیت» به مطالعه سازوکارها و صفت‌های شخصیتی و تاثیر آن‌ها بر تعامل‌ها و سازش‌های فرد با محیط درون- روانی، بدنی و اجتماعی می‌پردازند. به علاوه، آن‌ها به «تفاوت‌های فردی» در موضوع‌های مختلفی از جمله «جنسیت»، «سن»، «انگیزش»، «دین»، «هیجان»، «دلبستگی»، «سازگاری»، «اخلاقیت» (یا «تفکر واگرا»)، «هوش» (یا تفکر همگرا)، «ارزش‌ها»، «عملکرد تحصیلی» و شغلی، و «خودمهارگری» علاقه‌مند هستند، به گونه‌ای که نام دیگر روان‌شناسی شخصیت، روان‌شناسی «تفاوت‌های فردی» است. مثلاً پژوهش‌های مربوط به این حوزه نشان داده است که افراد دارای نمره بالا در «زودانگیزگی» و عامل «شخصیتی» روان‌رنجوری، نسبت به «افسردگی»، «استرس»، و «اضطراب» آسیب‌پذیر هستند؛ اما افراد دارای نمره بالا در صفت «شخصیتی» «سخت‌رویی» و نمره پایین در روان‌رنجوری، در برابر موارد فوق آسیب‌ناپذیری بالایی دارند. افراد روان‌رنجور (افراد دارای نمره بالا در این عامل «شخصیتی») «شکست» در زمینه‌های متعدد از جمله «اقتصاد»، «شغل»، «سیاست»، «تحصیلات»، «خانواده» و «ازدواج» را زیاد تجربه می‌کنند. با توجه به اهمیت زیاد «شخصیت» در تبیین رفتارهای مختلف، حجم قابل توجهی از رساله‌های دکتری ایران در رشته‌های روان‌شناسی، حاوی توصیف‌گرهای مرتبط با این حوزه هستند.

پژوهشگران در حوزه روان‌شناسی اجتماعی، که پیوند وثیقی با «شخصیت» دارد، به مطالعه «رفتار اجتماعی» و عوامل موثر بر آن می‌پردازند. این پژوهشگران نیز به موضوع‌هایی از این دست علاقه‌مند هستند، از جمله: «نیکوکاری»، «نوع‌دوستی»، «رفتار اخلاقی»، «قدرت‌طلبی»، «عدالت»، «رقابت»، «بزهکاری»، «خشونت»، «پرخاشگری»، «رفتار»‌های ضداجتماعی، جذابیت، «عشق»، دوستی، «بازخورد»، «بحث گروهی»، نقش «همسالان» در رفتار فرد، «همدلی»، «فرزندپروری»، «فرهنگ»، «سازمان»، «تبلیغات رسانه‌ای» و «رسانه‌های گروهی». برخی مولفان، روان‌شناسی «دین» را زیرمجموعه روان‌شناسی اجتماعی می‌دانند. برخی دیگر آن را شاخه‌ای مستقل به‌شمار می‌آورند. به هر جهت، «دین» از جنبه‌های مهم حیات بشری بوده که نقش مهمی در تحولات اجتماعی دارد. «دین» به عنوان یک پدیده فرهنگی، بخشی از «هویت» افراد «جامعه» است.

روانشناسی تجربی «دین» تنها از میانه دهه پنجم قرن بیستم وجود یافت، زمانی که روان‌شناسان تایید کردند دین نقشی محوری در واقعیت‌های تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، و روان‌شناختی ایفا می‌کند که انسان‌ها با آن روبرو می‌شوند. «پژوهش»‌ها نشان داده است که دینداری با باور به «متافیزیک»، «انسجام گروهی»، «همدلی»، «بهداشت روانی»، «خودشکوفائی»، «شادکامی»، «رضایت از زندگی»، «حرمت خود»، و «سازگاری» روانی و اجتماعی رابطه مثبت دارد. پیامدهای مثبت روانی و جسمی «دین» از طریق متغیرهایی چون «خوش‌بینی»، «حمایت اجتماعی»، شفقت، «امیدواری»، «اضطراب» «مرگ»، و «معناداری زندگی» به دست می‌آید. با توجه به اهمیت «دین»، تعداد قابل توجهی از پایان‌نامه‌های دکتری ایران دربردارنده این توصیفگر (ازجمله «مفهوم خدا») هستند.

مردم همه «فرهنگ»‌ها، بهزیستی فاعلی^۱ (همان چیزی که مردم عادی، «شادکامی» می‌نامند) را مهم‌ترین عنصر زندگی‌شان گزارش می‌کنند و از همین‌روست که روان‌شناسان می‌کوشند تا عامل‌های پرورش سطوح بالاتر بهزیستی را شناسایی کنند. بهزیستی و زندگی خوب، موضوعی است که قرن‌ها ذهن اندیشمندان را به خود مشغول کرده و اخیراً مرکز توجه شاخه‌ای از روان‌شناسی به نام «روانشناسی مثبت‌گرا» قرار گرفته است. توانایی‌هایی از قبیل پذیرش خود، رابطه مثبت با دیگران، «خودگردانی»، «معناداری زندگی»، رشد شخصی، و تسلط بر محیط، مقیاس‌های «بهزیستی روان‌شناختی» است که پرکاربردترین ابزار در زمینه بهزیستی فضیلت‌گرا است، توانایی‌های شش‌گانه فوق را می‌سنجد. «شخصیت» نیرومندترین پیش‌بینی‌کننده ابعاد مختلف بهزیستی شامل «شادکامی»، «رضایت از زندگی»، «حرمت خود»، و «بهزیستی روان‌شناختی» است. با توجه به اینکه «روانشناسی مثبت‌گرا» شاخه نوظهوری است و کم‌تر از دو دهه از عمر آن می‌گذارد، طبیعی است که تعداد توصیفگرهای مرتبط با آن در میان پایان‌نامه‌های دکتری ایران کم است.

برخی روان‌شناسان به مطالعه بیماری‌های جسمی مانند «دیابت»، «سرطان»، «بیماری‌های قلبی و عروقی» (مانند «فشار خون» و بی‌نظمی «ضربان قلب»)، بیماری‌های «مغز»، بیماری‌های مرتبط با «سیستم ایمنی بدن» و «ایمنوگلوبولین»، «درد»، «سر درد»، «بیماری روده تحریک‌پذیر» و سایر بیماری‌های «روان‌تنی»، مشکلات «بارداری» و «عمل سزارین»، بیماری‌های «عصب-روانشناختی» (مانند «بی‌حسی») و نقش «سبک زندگی» و روان‌درمانی در «پیشگیری» یا بهبود این بیماری‌ها می‌پردازند. به طور کلی، علاقه‌مندان به اینگونه مسائل، در قلمرو روان‌شناسی سلامت قرار دارند. با

توجه به اینکه دانشگاه‌های محدودی در ایران (۲ تا ۳ دانشگاه) دوره‌های مربوط به روان‌شناسی سلامت را برگزار می‌کنند، توصیف‌گرهای مرتبط با این موضوع‌ها در میان پایان‌نامه‌های دکتری ایران چندان زیاد نیست.

رفتارگرایان بر نقش «عوامل محیطی» و «یادگیری» در تعیین رفتار تاکید دارند. فراوانی توصیف‌گرهای مرتبط با مکتب شناختی در رساله‌های دکتری ایران گویای آن است که همچنان‌که این رویکرد در روان‌شناسی معاصر شهرت دارد، در میان روان‌شناسان ایرانی هم رونق و رواج دارد.

افراد «تیزهوش»، مبتلایان به «عقب‌ماندگی ذهنی»، «نابینایان»، و سایر افراد مبتلا به «معلولیت جسمی» جزو افراد استثنائی هستند. روان‌شناسی و آموزش «کودکان استثنائی» به مطالعه روی این افراد می‌پردازد. «توانبخشی»، «حرفه‌آموزی»، «خودگفتاری»، «آموزش دوجانبه»، فنون «مدیریت رفتار»، و بهبود مهارت‌های «تعامل روانی-اجتماعی» برای کمک به «کودکان استثنائی» به‌کار گرفته می‌شود. تعداد توصیف‌گرهای مرتبط با «کودکان استثنائی» در میان پایان‌نامه‌های روان‌شناسی عمومی، بالینی، و تربیتی زیاد نیست؛ چراکه در ایران، رشته آموزش و پرورش و روان‌شناسی کودکان استثنائی (یا با نیازهای خاص) عهده‌دار مطالعه در این زمینه است.

منابع

- باجی، فاطمه؛ عصاره، فریده (۱۳۹۳). ساختار شبکه هم‌نویسندگی حوزه علوم اعصاب ایران با استفاده از رویکرد تحلیل شبکه اجتماعی. *مطالعات کتابداری و علم اطلاعات*، ۶(۲)، ص ۷۱-۹۳.
- باشکوه، اکبر؛ اکرامی، محمد؛ سهیلی، فقرامرز؛ کریمی، احمد (۱۳۹۸). مصورسازی شبکه اجتماعی هم‌تألیفی و مطالعه روابط بین سنجه‌های مرکزیت با بهره‌وری علمی و کارآیی پژوهشگران حوزه آموزش از دور. *تدریس پژوهی*، ۱۷(۱)، ص ۸۶-۶۵.
- پشتونی‌زاده، میترا؛ عصاره، فریده (۱۳۸۸). تحلیل استنادی و ترسیم نقشه تاریخ نگاشتی تولیدات علمی کشاورزی در نمایه استنادی علوم در سال‌های ۲۰۰ تا ۲۰۰۸. *علوم و فناوری اطلاعات*، ۱(۵۹)، ص ۷۰-۲۳.
- حاصلی، داود؛ ریاحی‌نیا، نصرت؛ فرشید، راضیه (۱۴۰۲). انتشار مدارک روان‌شناسی در ۱۰ دانشگاه برتر ایران در اسکوپوس از ۱۹۶۹ تا ۲۰۲۲: یک تحلیل کتاب‌سنجی. *کاسپین*، ۱۱(۱)، ص ۱۰۲-۸۶.
- حیدری، غلامرضا (۱۳۹۰). پیش‌فرض‌های معرفت‌شناختی علم‌سنجی. *کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ۱۱(۱)، ص ۱۳-۱.
- ریاحی، عارف؛ قانع‌راد، محمد امین؛ احمدی، الهام (۱۳۹۳). بررسی موانع بازدارنده همکاری‌های علمی بین‌المللی (مطالعه موردی اعضای هیئت علمی دانشگاه تهران در تألیف مشترک مدارک علمی پایگاه اطلاعاتی). *کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ۱۷(۱)، ص ۹۰-۶۵.
- سهیلی، فرامرز؛ عصاره، فریده (۱۳۹۲). مفاهیم مرکزیت و تراکم در شبکه‌های علمی و اجتماعی. *مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات*، ۲۴(۹۵)، ص ۱۰۸-۹۳.
- قاسمیان، امیر؛ نوجوان، فرشته؛ اصنافی، امیرضا؛ ظهوری‌فر، فاطمه (۱۴۰۱). تحلیل بروندهای پژوهشی حوزه موضوعی روانشناسی و بررسی حضور آن‌ها در رسانه‌های اجتماعی علمی. *بازیابی دانش و نظام‌های معنایی*، ۱(۱)، ص ۲۰-۱.
- گیتی، آذردخت؛ جعفری، داود؛ بهرامی، محسن (۱۴۰۲). ترسیم نقشه علمی مقالات چاپ شده در حوزه روانشناسی در جهان و ایران در پایگاه اسکوپوس. *اطلاع‌رسانی پزشکی نوین*، ۹(۴)، ص ۳۵۱-۳۴۰.
- Guilera, G., Barrios, M. & Gómez-Benito, J. (2013). Meta-analysis in psychology: A bibliometric study. *Scientometrics*, 94(3), p. 943-954.
- Hanneman, R.A. & Riddle, M. (2005). *Introduction to social network methods*.
- Khademi, R. & Najafi, M. (2020). Tracing the historical roots of positive psychology by reference publication year spectroscopy (RPYS): A scientometrics perspective. *Current Psychology*, No. 39, p. 438-444.
- Liu, N., Zhou, R., Jin, R., Xiao, Q. & Hu, Z. (2022). Scientometric review of construction conflict from 1991 to 2020. *Engineering, Construction and Architectural Management*, 30(9), p. 4210-4228.
- Navarrete-Cortes, J., Fernández-López, J.A., López-Baena, A., Quevedo-Blasco, R. & Buena-Casal, G. (2010). Global psychology: A bibliometric analysis of Web of Science publications. *Universitas Psychologica*, 9(2), p. 553-567.
- Shanming, Z., Changhua, N. & Hanrong, W. (2003). A bibliometric analysis of research on the behavior therapy in China and its trend. *Journal of Huazhong University of Science and Technology [Medical Sciences]*, No. 23, p. 423-426.